

دور دنیا

دام چمن زن



در بسیاری از کشورها به خصوص در مناطق شهری، قوانین سختگیرانه‌ای مربوط به نگهداری فضای سبز و پوشیده از چمن وجود دارد که در صورت عدم رعایت، می‌تواند منجر به جریمه شود. کشورهایی مثل برخی ایالت‌های آمریکا، کانادا و استرالیا از این دسته‌اند.

اما چمن زنی حتی در ابعاد کوچک کاری پردردسر و پرهزینه است و حتی با اصول محیط‌زیستی هم مغایرت دارد. موادی مثل مصرف سوخت‌های فسیلی یا برق برای این دستگاه‌ها، سروصدا و هزینه نگهداری از این دستگاه‌ها و فرسایش خاک از معایب چمن‌زنی صنعتی است. حالا اگر فضایی که باید چمن‌هايش را پاکسازی کرد وسیع و حتی صعب‌العبور باشد، مشکلات صدچندان می‌شود. به‌طور مثال پیست‌های طبیعی اسکی در کوهستان‌های کشورهایی مثل کانادا، قبل از فرار سپیدن فصل سرما باید چمن‌زنی شوند تا فضا برای برف‌کوبی، آماده‌سازی مسیر و حتی حفظ سلامت خاک فراهم شود، اما بد نیست بدانید برخی از این پیست‌ها، ده‌ها هکتار است و برای پاکسازی و چمن‌زنی‌شان، باید کلی هزینه شود. اما حالا شرکتی در کانادا برای چمن‌زنی یکی از پیست‌های اسکی بزرگ این کشور، گله‌ای بز و گوسفند را برای این کار استخدام کرده است. درواقع این توافق دو سر بر د، میان ۲ شرکت منعقدشده: از یک سو دام‌های شرکت پاکسازی دام، در چمن‌های کوهستانی که قرار است در فصل سرما با برف پوشیده شود، می‌چرند و دلی از عزا درمی‌آورند و از سوی دیگر، شرکتی که مسئولیت فراهم کردن پیست اسکی را دارد، با کمترین هزینه و با روشی سازگار با محیط‌زیست به هدفش که اصلاح چمن‌های کوهستان است، می‌رسد. اندی استنگر، مدیر عملیات کوهستان و پایگاه ایالت ورمونت در این باره می‌گوید: «مسئال ثابت شد که این کار دشنی است و با موفقیت انجام می‌شود. آنها کارمندان خوبی هستند؛ البته وقت زیادی را صرف خوردن ناهار می‌کنند، اما خوب، این هم بخشی از برنامه است.»

این حیوان‌ها قلاده‌های هوشمندی هم به گردن دارند که در صورت نزدیک شدن به حصارهای نامرئی که محدوده پیست را مشخص می‌کند، صدایی هشداردهنده تولید می‌کند تا دام، سر عقل بیاید و در مسیر اصلی قرار گیرد، ولی اگر باز هم سر به راه نشد، این قلاده‌ها شوکی خفیف به دام‌بختر گشته‌وارد می‌کنند یا حتی به مالک آنها پیامکی ارسال و کارمند یا همان دام متخلف را معرفی می‌کنند. البته استفاده از دام برای پاکسازی زمین‌ها موضوع تازه‌ای نیست، اما این اتفاق در چنین مراتع صعب‌العبور و مرغی تازگی دارد. مدیر این شرکت پاکسازی اعتراف می‌کند که دام‌هایشان کندتر از شکل پاکسازی صنعتی عمل می‌کنند، اما معتقدند استفاده از دام‌ها برای پاکسازی پوشش گیاهی، رد پای سوخت‌های فسیلی و کربن را در طبیعت کاهش و ظرفیت نگهداری آب را در زمین افزایش می‌دهد و باعث کاهش فرسایش خاک می‌شود.

دیروز نامه

جایزه برای سینمای کودک در ۳۰ سال پیش



این روزها به‌مناسبت برپایی سی‌وهفتمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان، کلی خبرهای خوب در حوزه فیلم و پویانمایی برای این گروه سنی پویا و زنده کشورها به گوش می‌رسد. اما ۳۰ سال پیش هم در چنین روزهایی صفحه یک روزنامه همشهری برای بچه‌ها خوش خبر بود: فیلم عروسکی «کوه جواهر» ساخته عبدالله علی مراد جایزه بهترین فیلم کوتاه سیزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم کاروسل کانادا را دریافت کرد. این فیلم عروسکی که اکنون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در سال ۱۳۷۴ با تکنیک اسلپ‌موشن تولید کرده بود، یکی از آثار فاخر آن روزهای سینمای کودک بود و جایز زیادی را هم در آن روزها از آن خود کرد. این فیلم کوتاه روایتی نمادین و تربیتی دارد و به مفاهیمی چون فریب ظاهر، سختی کار و کشف حقیقت می‌پردازد.

شهری که دوست می‌داریم

نگاهی به تغییرات پایتخت از دریچه دوربین به مناسبت روز تهران

همیشه تغییر کرد. دیوارهای کاگه‌لی‌اش جای خود را به آجرهای قزاقی دادند، کوچه‌های خاکی‌اش سنگفرش شدند و درشکه‌ها جایشان را به اتومبیل‌ها بخشیدند. این شهر، حافظه جمعی ماست. از سنگ‌نوشته‌های کاخ گلستان و عظمت شمس‌العماره تا نوستالژی خیابان لاله‌زار و کافه‌هایش، از هیاهوی میدان توپخانه قدیم تا سکوت و آرامش پل طبیعت امروز. هر گوشه از این شهر، داستانی برای گفتن دارد: داستانی از آدم‌هایی که در این خیابان‌ها عاشق شدند، کار کردند، خندیدند، گریستند و رویا بافتند. چهاردهم مهرماه، «روز تهران»، فرصتی است تا به این شهر نه به چشم یک پایتخت اداری و سیاسی که به مثابه موجودی زنده نگاه کنیم؛ موجودی که بیش از ۲۰۰ سال

فاطمه عباسی | روزنامه‌نگار | تهران را چگونه می‌توان توصیف کرد؟ با چنارهای خیابان ولیعصر که سایه‌شان را سخاوتمندانه بر سر شهروندان خسته می‌گسترانند؟ با ایهت کوه‌های البرز که چون پدری دلسوز، شمال شهر را در آغوش کشیده‌اند؟ یا با همه‌م و شلوغی بی‌پایانش که نبض زندگی را در رگ‌های این کلانشهر به جریان می‌اندازد؟ تهران، مجموعه‌ای از تمام این تضادهاست: شهر برج‌های شیشه‌ای و خانه‌هایی با حوض‌های فیروزه‌ای، شهر بزرگراه‌ها و کوچه‌های آشتی‌کنان، شهر سرعت و دلتنگی.

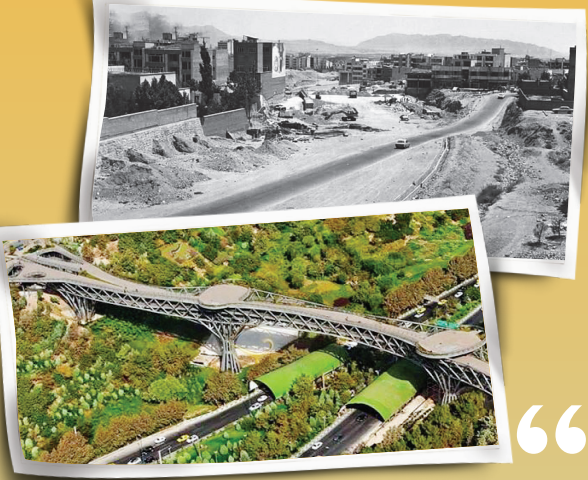
از روزی که آقامحمدخان قاجار، روستای خوش آب‌وهوای «طهران» را به پایتختی برگزید، سرنوشت این شهر برای



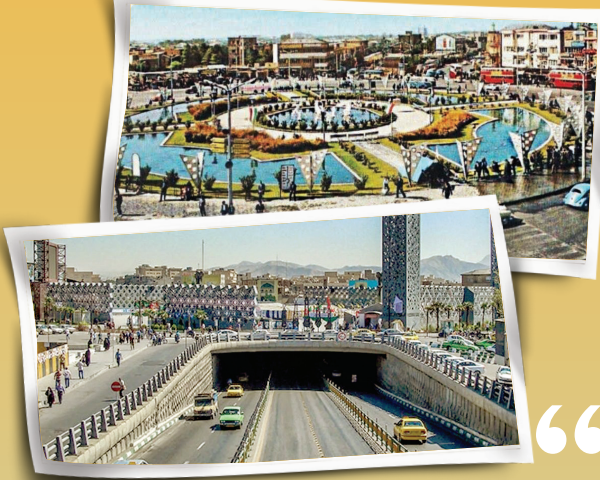
■ دیروز، سر پل تجریش، پایانه آرام اتوبوس‌های بنز
■ امروز، میدانی سبز در محاصره هیاهوی خودروها؛ روایتی فشرده از گذر زمان و تحول پایتخت در قلب شمیران



■ دیروز، سر پل تجریش، پایانه آرام اتوبوس‌های بنز
■ امروز، میدانی سبز در محاصره هیاهوی خودروها؛ روایتی فشرده از گذر زمان و تحول پایتخت در قلب شمیران



■ دیروز، بزرگراه مدرس، جاده‌ای در حال ساخت میان تپه‌های خالی
■ امروز، شریانی سبزی که با پل طبیعت، به جای جدایی، ۲ بوستان را به یکدیگر پیوند می‌زند.



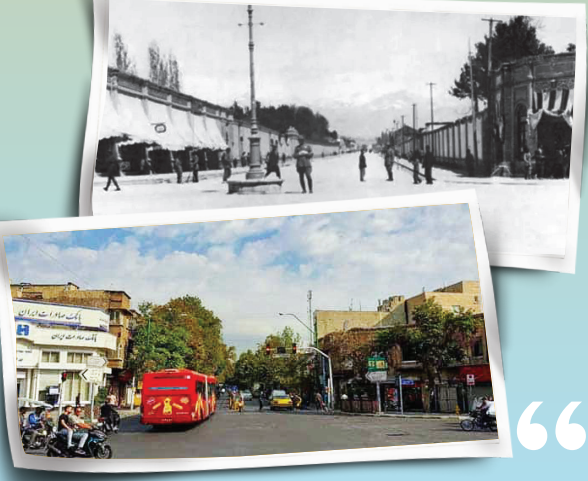
■ دیروز، میدان امام حسین، میدانی مزین به حوض و فواره
■ امروز، زیرگذری برای شریان ترافیک و پهنه‌ای برای حضور مردم: تحول کالبدی قلب شرق تهران از زیبایی به کارکردگرایی



■ دیروز، بلوار کشاورز، کانالی برای انتقال آب حیات‌بخش کرج به شهر
■ امروز، تفرجگاهی سبز و خاطره‌انگیز در قلب پایتخت؛ نمادی از توسعه تهران که یک زیرساخت حیاتی را به فضایی برای آرامش شهروندان بدل کرد.



■ دیروز، سردر باغ ملی (میدان مشق)، دروازه‌ای به میدان رژه نظامیان قاجار با چشم‌اندازی باز
■ امروز، نگینی در قلب مجموعه‌ای فرهنگی-اداری؛ روایتی از گذار تهران از یک یادگان نظامی به یک پایتخت مدرن



■ دیروز، خیابان امیریه، معبری خلوت با چراغ‌های ایستاده و چشم‌انداز کوهستان
■ امروز، شریانی در تسخیر اتوبوس‌ها و ساختمان‌ها؛ روایتی از محوشدن آرامش در هیاهوی توسعه یکی از قدیمی‌ترین خیابان‌های پایتخت



■ دیروز، هتل لاله، معماری شاخص دهه ۵۰، در کنار خیابان‌های خلوت
■ امروز در قلب تندبه پایتخت؛ بنایی که نیم قرن است شاهد تغییر چهره مرکز تهران و نبض زندگی شهری است.

یادداشت

به انگیزه روز تهران



مر ترضی بیک‌بیانی | تهران: شهری که تاریخ طی سالیان سال متعادی و دیرین در آن جریان دارد و به نوعی حاوی و راوی روح سرزمینی ایران زمین بوده است و به خاطر همین جریان تاریخ و انعکاس روح سرزمینی مردمان ایرانی جغرافیا و نقشه و مختصات آن بر خا طره است؛ خاطره‌ای که به‌دلیل تکاپو و تلاش‌های شبانه‌روزی مردمانش همیشه پویا و ملموس تر است و آن را از سایر شهرهای زیبای ایران متمایز می‌سازد و بر عناصرش تأثیر شگرف می‌گذارد؛ به‌طوری که به گواه دوست و استاد تهران شناسم، حمیدرضا حسینی «درخت ارغوان در بیشتر نقاط ایران و جهان وجود دارد، اما آن یک شاخه ارغوانی که شاعر در منزل مسکونی‌اش با آن گفت‌وگو و مغازله کرده درخت ارغوان منزل هوشنگ ابتهاج است که شهرتی عالمگیر پیدا کرده است.» بنابراین باید این شهر گرمی را دوست داشت و به شنیدن خاطره‌ها و دیدن مناظره‌ها و رویدادهایی که در حدود ۲۴۰ سال پایتختی به چشم و گوش دیده و شنیده است، برویم و با این شهر آشنا شویم؛ شهری که مثل شعر حافظ همه بیت‌های غزلش معرفت است و لایه‌هایش بسیار و برای بی‌پایان به این لایه‌ها و کشف تلخی و شیرینی‌هایش باید به دل محله‌ها، کوی‌ها، گذرها، کاخ‌ها، عمارت‌ها و طبیعت این پراشهر کلان زد؛ چنان‌که در توصیف تهران با اتکاب به این ادعا باز باید از دوست تهران شناس مهندس بهنام ابوترابیان شاهد بیابوریم که تنوع و تکثر توره‌ای موضوعی تهران گردی حتی به روش تجربی از اهمیت داشتن آن برای شهروندانش حکایت دارد؛ چیزی که در هیچ جای جهان نظیر و مصداقی ندارد که شهروندانش به کشف لایه‌های پید و پنهان آن ببر دازند؛ شهری که علاوه بر میراث‌های ملموس میراث‌دار آثار و مفاخر ناملموسی است؛ شهری که در یک سده اخیر در حوزه‌های فرهنگ و هنر مبدأ مؤثر تغییر و تحولات بوده است و بسیاری از چهره‌های برجسته (بچه طهران) از دامانش به‌وجود آمده‌اند و هر یک به‌نحوی در جغرافیای سرزمینی ایران بالیده و درخشیده‌اند و علاوه بر آنکه میراث‌داران میراث فرهنگ ملموس باشند، میراث‌دار فرهنگ ناملموس نیز هستند. یکی از این فرهنگ‌مندان محمدعلی سیانلو است که ۳ دفتر شعرش را به شهر تهران اختصاص داده است. مرحوم استاد مرتضی احمدی معروف به صدای طهرون قدیم نیز در همین شمار است که خصوصاً در دهه‌های پایانی عمرش با مکتوب کردن خاطرات خود از تهران قدیم و همچنین با ضبط موسیقی روح‌حسی یا تخته‌حوضی خدمت بسیار شایسته‌ای به فرهنگ شهر کرد. پس باید تهران را به‌خاطر این همه ابعاد گوناگون و متنوعش دوست داشت؛ شهری که در سایه تمدن ری رشد و نمو کرد و شمیران و البرز به غنا، اعتبار و زیبایی آن افزود و در میانه این دو پهنه همیشه در برابر مشکلات و پرخان‌ها تاب آورد و همواره پل پیروزی در عرصه‌های بین‌المللی بوده است.

عکس خانه

گردن کنیون ایران در قاب جاوویی



گاهی یک قاب عکس، قدرتی بیش از هزاران کلمه برای معرفی یک شگفتی دارد. این تصویر مسحورکننده از «دره خزینه» در نزدیکی پلدختر استان لرستان که توسط عکاس خوش‌ذوق، عارف زیودار ثبت شده، مصداق بارز همین قدرت است. این عکس در هفته‌های اخیر به یکی از پربازدیدترین تصاویر طبیعت ایران در شبکه‌های اجتماعی تبدیل شده و نگاه هزاران کاربر ایرانی و خارجی را به زیبایی‌های بکر و کمتر دیده‌شده زاگرس معطوف کرده است. اینجا، جایی است که رودخانه خروشان سیمره با بیج و خمی حیرت‌انگیز، مسیری نعل شکل را در دل صخره‌های استوار باز و منظره‌ای را خلق کرده که بسیاری آن را با «بیج نعل اسبی» گردن کنیون آمریکا مقایسه می‌کنند. لایه‌های زمین‌شناسی که همچون تاریخ مصور زمین بر دیواره‌های دره نقش بسته‌اند، همراه با پوشش گیاهی سبزرنگی که در فصل بهار مغلغل بر تن سنگ‌ها می‌کشد، عظمتی وصف‌ناپذیر به این منظره بخشیده است. این تصویر به ما یادآوری می‌کند که طبیعت این سرزمین، سرشار از مناظری است که می‌تواند جهانیان را شگفت‌زده کند و هر فریم از آن، روایتی از صلابت، زیبایی و قدمت این خاک برگهر است.